فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال اول. شماره ششم. بهار ۱۳۹۷، صص۳۹-۲۷ Vol 1. No 6. 2018, p 27-39
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی

احمدرضا اسکندری[۱]. اکبر بورغانی فراهانی[۲]. پدرام محمدی شلمانی مقدم[۳]
۱. دکتری تخصصی مدیریت آموزش عالی دانشگاه آزاد واحد کرج. ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی واحد تهران مرکز. ایران
۳. کارشناس ارشد مدیریت صنعتی. ایران

چکیده

بسیاری از دانشگاه‌ها می‌توانند نقشهای متنوع اما مهمی در نوآوری و توسعه اقتصادی داشته باشند. اکتشافات علمی که به نوآوریهای صنعتی می‌انجامد، به خصوص از طریق کاربردهای دانشگاهی، تصویری کلاسیک از کمک دانشگاهها به توسعه اقتصادی است. از طرفی اکشورهای جهان، سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و برنامه های توسعه ملی و ارتقای دانش و فناوری دارند؛ از این رو، سیاستهای توسعه ملی به طور اصولی به آموزش متصل است. در واقع، میتوان گفت که یکی از پرارزشترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، دانشگاه است.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، توسعه اقتصادی، توسعه ملی، دانشگاه، سرمایه گذاری در نیروی انسانی

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

مقدمه:

امروزه دانشگاه‌ها، به عنوان مراکز تربیت نیروی انسانی متخصص کشورها، نقش مهمی در افزایش رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. در همین راستا، اقتصاد آموزش عالی در چند دهه اخیر گام‌های مؤثری در جهت نحوه تخصیص بهینه منابع فیزیکی و انسانی در دانشگاه‌ها و افزایش کارایی آنها به عنوان واحدهای تولیدی چند ستاده‌ای برداشته است.

اهمیت و توجه فزاینده به سرمایه گذاری در آموزش به طور عام و آموزش عالی به طور خاص از نیمه دوم قرن بیستم صورت گرفته و با هور مفاهیم و نظریه هایی همانند نظریه رشد درون زاد توجه به آموزش عالی و نقشی که درتوسعه جوامع می تواند ایفا کند، شتاب گرفته است.

آموزش عالی نقش بنیادی در تعیین جایگاه یک ملت در اقتصاد جهانی دارد و دربهره وری نیروی کار، کارآفرینی و کیفیت زندگی افراد جامعه نقش محوری داشته و موجب افزایش تحرک اجتماعی، مشارکت سیاسی شده و حاکمیت دموکراسی در جامعه را ارتقاء می‌دهد. آموزش عالی این پیامدها را از طریق خلق کالاهای عمومی همانند دانش جدید، و از طریق فراهم کردن یک فضای امن برای بحث آزاد و باز در مورد ارزش هایی که تعریف کننده شخصیت و ویژگی توسعه یک ملت هستند را به وجود می آورد. بنابراین، نقش آموزش عالی در توسعه، به معنی استانداردهای زندگی بهتر برای افراد در همه سطوح جامعه است.

از طرفی در عصر جدید و در کشاکش رقابت میان جوامع، کشورها در تلاش هستند تا نقش آموزش و به ویژه آموزش عالی را در توسعه ملی و ارتقای دانش و تکنولوژی مورد توجه قرار دهند. از این رو نقش آموزش عالی در توسعه اجتناب ناپذیر است. در واقع می توان گفت که یکی از پرارزش ترین منابعی که جامعه در اختیار دارد، دانشگاه است. در غالب کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، حل مسائل و رفع نیازمندی‌های اهداف توسعه ملی را دانشگاه و دانشگاهیان تحقق بخشیده اند .و همچنین آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه نقش اساسی دارد. یکی از نقش‌های مهم در این زمینه، تاثیر آموزش عالی بر توسعه ملی است. کشورهای جهان سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و برنامه های توسعه ملی و ارتقای دانش و فناوری دارند. از این رو سیاست‌های توسعه ملی به طور اصولی به آموزش متصل است. در واقع می توان گفت که یکی از پر ارزش ترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، دانشگاه است. در غالب کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، حل مسائل و رفع نیازمندیهای اهداف ملی را دانشگاهیان تحقق بخشیده اند و امروزه اکثر کشورها بر این باورند که پایه اصلی توسعه ملی، گسترش کمی و کیفی سریع فرصت‌های آموزشی است. هرچه آموزش بیشتر و با کیفیت بهتر ارائه شود، توسعه سریع تر صورت خواهد پذیرفت. توسعه یافتگی در کشورهای پیشرفته مرهون آموزش و به خصوص ارائه آموزش عالی است و همچنین بسیاری از دانشگاهها میتوانند نقشهای متنوع اما مهمی در نوآوری و توسعه اقتصادی داشته باشند. اکتشافات علمی که به نوآوریهای صنعتی

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

میانجامد، به خصوص از طریق کاربردهای دانشگاهی، تصویری کلاسیک از کمک دانشگاهها به توسعه اقتصادی است. بسیاری از نهادهای تحقیقاتی میکوشند چنین رابطهای را بازسازی کنند، زیرا دانشگاهها ممکن است فاقد فرهنگ یا ظرفیت انجام آن باشند .دانشگاهها میتوانند با ایجاد سریع منابع انسانی با مهارت و دانش اساسی، به گسترش پاسخگویی در بازار نیروی کار کمک کنند.

پیشینه نظری:

توسعه:

توسعه در معنای وسیع و کلی آن که اقتصاد، فرهنگ، سیاست و سایر شئون یک جامعه را در بر می گیرد، به معنای بروز تغییر و تحول مثبت در یک معیار است که برای آن نحوی از ثبات و استمرار در نظر گرفته می‌شود. بدیهی است که هر گونه بحث در مورد توسعه و معنای آن بدون در نظر گرفتن بحث محوری تغییر و تحول ناقص خواهد بود.

توسعه اقتصادی:

توسعه اقتصادی به فرایندی اشاره می‌کند که هدفش به وجود آوردن رفاه جامعه از طریق افزایش تولیدات، استفاده بهینه از منابع طبیعی، بالا بردن سطح اشتغال و درآمد، توزیع عادلانه درآمد، مهیا کردن شرایط بهتر مصرف کالا و خدمات است، توسعه اقتصادی چیزی بیش از رشد اقتصادی است و می‌توان گفت که توسعه به معنای رشد به اضافه تغییر است (شیخعلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۵). امروزه آموزش عالی معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم کردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز کارکنان فنی و مدیریتی و نیروی کار آینده به توسعه اقتصادی کمک می‌کند؛ به عبارتی دیگر، توسعه اقتصادی نیازمند حرکتی به سوی علم و فنّاوری، چه در تدریس و چه در تحقیق دانشگاهی است و اگر آموزش عالی به جای توجه زیاد به توانایی محض و دانش به سوی مهارت‌های حرفه‌ای و استعدادها سوق داده شود نقش اقتصادی مؤثری ایفاء می‌کند (مختاری‌پور، ۱۳۸۲: ۱۶).

آموزش عالی یا دانشگاهی و اهداف اساسی آن:

آموزش عالی مجموعه‌ای از دوره‌های تحصیلی است که متقاضیان می توانند پس از پایان تعلیمات متوسطه به آن راه یابند و دانشگاه به محلی اطلاق می‌شود که براساس دید اصولی، وارده‌های آن شامل سرمایه ساختمان، تجهیزات، برنامه، امکانات، نیروی انسانی و در نهایت دانشجوست (منصوری، ۳۸: ۱۳۸۸).

هدف های عمده نظام آموزش عالی در هر کشور را می توان درچهار محور خلاصه کرد:

۱- کمک به تحقق هدف های اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری در استفاده از فرصت های آموزش عالی.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

۲- برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با انگیزه ها و انتظارات و تحصیلات افراد و تسهیل فرآیند یاگیری مستمر.

۳- پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه.

۴- پیشبرد حرفه های دانش و تولید دانش نو(بازرگان، ۱۳۷۴: ۴۱).

با توجه به موارد اشاره شده و به دلیل تحولات جدی که امروزه دنیای ما را تحت تأثیر قرار داده است، دانشگاه ها بیش از پیش در کانون توجه واقع شده اند. توجه به دانشگاه‌ها از ریشه های اقتصادی و اجتماعی نظیر زوال نقش کلیسا به عنوان هدایتگر و مربی اخلاقی جامعه نشأت می گیرد (صادقی، انوری؛۱۳۸۳:۷۵).

از طرفی توسعه اقتصادی نیازمند حرکت به سوی علم و تکنولوژی، چه در تدریس و چه در تحقیق دانشگاهی است و اگر آموزش عالی به جای توجه زیاد به توانایی محض و دانش به سوی مهارت های حرفه ای و استعدادها سوق داده شود، نقش اقتصادی مؤثرتری ایفا می کند (مختاری پور، ۱۳۸۲: ۷۳).

نظریه سرمایه انسانی (به عنوان یک مفهوم اقتصادی)

رابطه مثبت بین سرمایهٔ انسانی به عنوان دانش، با رشد و توسعه اقتصادی از حمایت پایه‌گذار اقتصاد کلاسیک یعنی آدام اسمیت برخوردار بود. این ارتباط در دهه ۱۹۷۰ میلادی با گسترش نظریه سرمایه انسانی از سوی «شولتز» و «بیکر» دو اقتصاددان برنده جایزه نوبل تقویت شد و سرانجام در دهه ۱۹۹۰ میلادی رابطه قوی و معنی‌دار بین تشکیل سرمایه انسانی و رشد اقتصادی توسط نظریه های جدید رشد درون‌زا به اوج خود رسید (میرنیا، ۱۳۸۱: ۷). آن‌طور که «بلاگ» (۱۹۷۰) روشن می‌سازد سرمایهٔ انسانی یک نظریه جدید قرن بیستمی نیست و حتی در سال ۱۷۷۶ آدام اسمیت نیز در شاهکارش به نام «ثروت ملل» بدان اشاره کرده است، اما از زمان سخنرانی «شولتز» در افتتاحیه انجمن اقتصاددانان آمریکا در سال ۱۹۶۰ این مبحث توسعه پیدا کرد و کاملاً وارد جریان منابع اقتصاد شد ۱۹۹۷ «شولتز» در سخنرانی خود به دو عقیدهٔ مربوط به هم در نظریهٔ سرمایهٔ انسانی اشاره کرد که در عین حال، باید از هم متمایز شوند. عقیده اول، در زمینه انگیزه هزینه برای آموزش است؛ مفهوم سرمایهٔ انسانی این است که مردم به روش‌های مختلف با پول و یا غیر پولی برای آینده برنامه‌ریزی می کنند. «شافر» با این عقیده شدیداً مخالفت کرد؛ زیرا معتقد بود که نمی‌توان بین دلایل مصرفی سرمایه‌گذاری در کسب آموزش تمایز قائل شد (شافر، ۱۹۶۶). دربارهٔ عقیدهٔ دوم که با عقیدهٔ اول مرتبط، ولی در عین حال متفاوت است، «شولتز» چنین اظهار داشته است که ارزش سرمایهٔ انسانی در انسان‌ها و جوامع را می‌توان اندازه‌گیری کرد و این ارزیابی می‌تواند تعیین‌کنندهٔ رشد اقتصادی باشد. این عقیده به تحقیقات «دنیسون» (۱۹۸۴) دربارهٔ برآورد سهم آموزش در رشد اقتصادی در ایالات آمریکا و همچنین به تحقیقات «بکر»[۶] (۱۹۸۴) در بارهٔ بازدههای خصوصی آموزش انجامید. تحقیقات دربارهٔ نقش آموزش در رشد اقتصادی از طریق مطالعات بعدی «دنیسون» (۱۹۸۴) و در خصوص برآورد بازدهٔ آموزش توسط «ساخاروپولوس» (۱۹۸۵) و «هینچ‌لیف» (۱۹۷۳) ادامه یافت. در هر بحثی دربارهٔ سرمایهٔ انسانی دو پرسش باید

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

مطرح شود، پرسش اول، دربارهٔ نقش عوامل اقتصادی در مورد انتخاب برای هزینه‌کردن یا هزینه نکردن در امر آموزش و پرسش دوم، در مورد نقش واقعی آموزش در کسب درآمد می‌باشد (دور، ۱۹۸۶).

نقش آموزش در توسعه اقتصادی

آموزش عالی از با ثبات ترین بخشهای اقتصادی هرجامعه محسوب می شود .درحالیکه سایر بخشهای اقتصادی غالبا" با رکود ورونق مواجه می شوند .بنابراین آموزش عالی بدلیل برخورداری ازثبات وتعادل بیشتر می تواند درهنگام رکود اقتصادی وبیکاری، نیروی کار را جذب کرده وبا آموزش وتجهیز نمودن این نیروها، درهنگام رونق آنها را به جامعه تحویل دهد.

رمز موفقیت انقلاب صنعتی درکشورهای غربی، درایجاد مراکز تحقیقاتی وپژوهشی است. اکثر دستاوردهای علمی و تکنولوژی، حاصل کار محققان وپژوهشگران می باشد. کار تحقیق وپژوهش نیز به عهده دانشگاه‌ها وسایر مراکز تحقیقاتی است پس درهرصورت آموزش عالی است که کادر تحقیقاتی و پژوهشی را آموزش و تحویل این مراکز می‌دهد وبدلیل نتایج درخشان مراکز تحقیقاتی، بودجه موسسات تحقیقاتی و پژوهشی دراکثر کشورها رشد فزاینده ای دارد.

سرمایه گذاری در آموزش و توسعه اقتصادی

سرمایه گذاری درآموزش و تربیت نیروی انسانی یک سرمایه گذاری بلندمدت محسوب می شود زیرا از آغاز سرمایه گذاری تا موقع بهره برداری ازآن، زمان زیادی مورد نیاز است ولی سرمایه گذاری درامر آموزش بویژه برای جوامع درحال توسعه فوق العاده سودآوراست. چرا که در رابطه با جنبه‌های گوناگون وحساس نظیر فرهنگ، ظرفیت تولید، توزیع درآمد ورشد جمعیت نقش مهمی را می تواند در جریان رشد و توسعه اقتصادی جوامع بازی کند. زیرا در اثر آموزش، افراد جامعه دارای مهارت وتخصص خاصی می‌شوند که این امر با بحث ارتقاء بهبود ظرفیت تولید افراد ونیز سبب افزایش توانائی نیروی کار آنها می‌شود. به علاوه آموزش باعث می‌شود درآمد افراد بدلیل مهارت‌ها و تخصص‌هائی که کسب کرده اند درسطح بالاتری قرارگیرد و در نتیجه ازسطح زندگی بهتری برخوردار شوند. بنابراین قابل درک است که آموزش و تربیت نیروی انسانی می تواند به عنوان ابزار و وسیله ای مناسب جهت سیاستهای توزیع مجدد درآمدها و توسعه اقتصادی به کار رود.

نقش مهارت و دانش در توسعه اقتصادی

با سرمایه گذاری بیشتر در نیروی انسانی و تربیت نیروی انسانی، زمینه افزایش عرضه نیروی کار متخصص و با تحصیلات عالی و همچنین افزایش محققین و کارآفرینان فراهم می گردد. قطعاً نیروی کار متخصص و

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

آموزش دیده می‌تواند از طریق نوآوری‌ها و به کارگیری بهینه امکانات مادی و مالی کشور باعث رشد سریعتر جامعه شود (الماسی و همکاران، ۱۳۸۸).

به اعتقاد بسیاری از اقتصادانان یکی ازبن مایه های مقابله با بحران های اقتصادی، از دل رفتارهای اقتصادی سرمایه انسانی بیرون می آید و برای اصلاح وضعیت اقتصادی باید ابتدا به دنبال تأثیر فرهنگ اقتصادی در سرمایه‌های انسانی بود (غلامی، ۱۳۹۱). و پیش نیاز ورود به چنین عرصه هی نوین مدیرتی، توسعه دید دانش آموختگان، بهبود نقش و مهارت آنان و افزایش دانش عمومی آنان است (پرند و همکاران، ۱۳۹۱).

بدون تردید دانشگاه در هزاره سوم نقش آفرین اصلی تحولات خواهد بود و کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده است که با برخورداری از ایده ها و اندیشه های نو هرلحظه در شریان های حیاتی جامعه نیروی نوینی را تزریق می نماید (آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۹).

به عبارت دیگر، بهترین مکان برای پرداختن و تئوریزه کردن ایده ها، دانشگاه ها هستند، زیرا سازمانها و نهادهای اجرایی توان، حوصله و فرصت پرورش و کاربردی کردن ایده‌ها را ندارند (غلامی، ۱۳۵۱). مراکز آموزش عالی می توانند سبب توسعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها شده و یکی از عوامل توسعه یافتگی کشورها باشند (ادریس و همکاران، ۲۰۱۲).

نقش آموزش عالی در ارتقاء نیروی انسانی و توسعه اقتصادی

آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه نقش اساسی دارد یکی از نقش‌های مهم در این زمینه، تأثیرآموزش عالی بر توسعه اقتصادی است. امر آموزش، از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به توسعه اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد طبق نظریهٔ سرمایهٔ انسانی، تحصیلات بیشتر و هر نوع مهارت و آموزشی که فرد می بیند در وی ظرفیت و قابلیتی ایجاد می‌کند که می تواند جریان درآمدی بیشتری را در آینده به وجود آورد بنابراین، آموزش و افزایش توانایی و مهارت، در واقع به منزلهٔ سرمایه هایی است که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگر بازدهی اقتصادی دارد. دیدگاه سرمایهٔ انسانی که از سوی تئودور شولتز و گری بگر به رشته تحریر درآمد ما را متوجه این حقیقت می کند که دستیابی به میراث بالای توسعه یافتگی در کشورهای پیشرفته مرهون آموزش و به خصوص ارائه آموزش عالی است.

آموزش عالی نقطه تلاقی سه قلمرو فرهنگ، قدرت و دانش است. بی‌تردید نظام آموزشی در ظرف جامعه و فرهنگ عمل می‌کند و با آن داد و ستد مستمر دارد. اگرچه جریان رسمی آموزش، به کارکردهای ضمنی و پنهان خود معمولاً بی‌اعتناست، اما این امر نافی اهمیت ابعاد فرهنگی و اجتماعی آموزش نیست. تعلیم و تربیت ارائه یک سری مهارت‌های خنثی به فراگیرندگان نبوده و کارکرد آن آزمون‌گیری و صدور گواهینامه نیست بلکه فراگیر را به ویژه در نظام آموزش عالی با گفتمان‌ها و روش‌های جدید و نحوهٔ کاربرد دانش در سطح جامعه درگیر می‌کند.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

از دیگر نقش‌ها و کارکردهای آموزش عالی می‌توان عمق بخشیدن به نگرش‌های علمی و فرهنگی، تعمیق فرهنگ گفتگو، مدارا و کار جمعی، ارتقای تنوع و غنای فرهنگی و نظریه‌پردازی برای حل مسایل و بحران‌های جهانی را نام برد. همچنین آموزش عالی، رسالت‌هایی چون آماده کردن جامعه برای برخورد ریشه‌ای با مسایل و مشکلات و کاویدن جنبه‌های نظری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها و مشارکت در حل و فصل آسیب‌ها و تدوین سیاست و راهبرد برای مقابله با آنها را بر عهده دارد.

از طرفی آموزش عالی به عنوان بخشی از فرایند کلی آموزش، از راه ایجاد مهارت و تخصص در افراد و بهبود قوهٔ تشخیص آنها، موجب ارتقای سطح بهره وری نیروی انسانی می‌شود. به شکلی دقیقتر میتوان اثرات آموزش عالی را در سه مقولهٔ: اثر کاری، اثر شناختی و اثر نوآوری بحث کرد. اثر کاری موجب میشود که نیروی انسانی بتواند با کمیت و کیفیت بیشتری وظایفش را انجام دهد. اثر شناختی، اتخاذ و انجام یک تصمیم است. اثر نوآوری نیز سومین اثری است که انتظار میرود از طریق آموزش عالی فراهم شود.

نوآوران جهان امروز، غالباً پرورش یافتهٔ محیط های دانشگاهی هستند. جهان امروز به آموزش عالی و ایجاد سرمایهٔ انسانی اهمیت فراوان و بسزایی میدهد. حجم سرمایه گذاری در آموزش عالی، از رشد قابل توجهی برخوردار است و به سرمایهٔ انسانی بیش ازسرمایهٔ فیزیکی بها داده میشود. این احساس منطقی برای تحلیلگران به وجود آمده است که سرمایه گذاری در منابع انسانی، به نسبت از بازدهی بیشتری برخوردار است و گذشته از آن عمر طولانی تر و استهلاک ناچیز دارد(خورشیدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

پیشینه تجربی

حیدری و دیگران، (۱۳۹۱)، درتحقیق ارتباط دانشگاه وصنعت ضمن تبیین ضرورت ارتباط دانشگاه و صنعت به عنوان راهبردی برای توسعه اقتصادی، موانع و مشکلات موجود را بررسی و راهکارهای اجرایی ارائه می‌دهد.

ماریانا (۲۰۱۵) در مقاله ای با عنوان آموزش تعیین کننده رشد اقتصادی نشان داد که مهم ترین عامل رشد اقتصادی کشورها درگرو توجه به آموزش عالی است و رابطه معناداری بین آموزش عالی و رشد اقتصادی وجود دارد. آموزش و به ویژه آموزش عالی یکی از مهم ترین عوامل رشد اقتصادی بوده و از راه های مختلف رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آموزش، بهره وری نیروی کار را از طریق تجمیع دانش و مهارت، تسهیل پیشرفت فناوری و نوآوری، افزایش داده و رابطه عمیقی بین آموزش عالی و رشد اقتصادی در بلند مدت برقرارمی نماید و این رابطه به صورت مستقیم و مثبت است.

جعفرزاده(۱۳۹۰)، درپژوهشی باعنوان ارتباط صنعت ودانشگاه، شاهرگ توسعه اقتصادی ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران بررسی شده، و پس از اشاره به عوامل مؤثر بر تعامل دانشگاه و صنعت، موانع ارتباط بهینه دانشگاه وصنعت ارائه شده اند. در نهایت پس از نتیجه گیری پیشنهاداتی برای بوجود آمدن این ارتباط ارائه شده است.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

دامسیوونس(۲۰۱۴) در مقاله ای با عنوان تأثیر سیاست آموزشی در توسعه اقتصادی کشورنشان داد که رفاه اجتماعی و رشد آینده بستگی به تمرکز دانش در صنعت و خدمات است. بیشتر شغل‌ها نیز به کیفیت آموزش نیاز دارند. وی سرانجام با تحلیل سرمایه انسانی به عنوان یکی از عوامل تولید نشان داد که افراد از طریق دانش جمع آوری شده به افزایش تولید کمک می‌کنند. از دیدگاه وی، پژوهش، فناوری و کلیه عوامل افزایش دهنده تولید از دیگر موضوعات مهمی هستند که از آموزش عالی تأثیرمی پذیرند و در پایان نتیجه گرفت که سیاست های آموزشی اروپا با رشد اقتصادی رابطه مثبت و مستقیم دارد.

شفیعی، یزدانیان (۱۳۸۷)، درتحقیق توسعه مفهومی ارتباط بین صنعت ودانشگاه: از رهیافت های عملگرا تا رهیافت‌های نهادگرا پس ازارائه توصیف الزامات و تاکیدات مرتبط باصنعت و دانشگاه ابتدا به ذکر نتایج حاصل از رهیافت‌های عملگرای ارتباط صنعت و دانشگاه پرداخته و با ذکر ناکارآمد بودن این رهیافت خصوصا با توجه به تجربه کشور، آسیب شناسی نهادگرای صنعت و دانشگاه را بیان کردند و راهکارهایی ارائه دادند.

اولگا و بلیانسکی (۲۰۰۸) نیز درنتیجه تحقیقات خود در اروپا نشان داد که داشتن رویکرد بازاریابی راهبردی و اقتصادی در اجرای تحولات آموزش عالی، توسعه محتوی، ارائه خدمات آموزشی متنوع بر اساس رضایتمندی سهامداران دانشگاه ها و تسهیل توسعه مثبت اجتماعی میتواند مفید باشد.

جعفرنژاد، مهدوی وخالقی سروش(۱۳۸۴)، در تحقیقی باعنوان بررسی موانع و ارایه راه کارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران، موانع ارتباط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران مورد بررسی قرار گرفته و راه کارهایی اجرایی برای رفع این موانع پیشنهاد شده است.

آراسته، (۱۳۸۳)، درپژوهشی تحت عنوان ارتباط دانشگاه باصنعت ازروش فراتحلیلی برای بررسی وتحلیل مطالعات وتجربه های متخصصان ارتباط دانشگاه وصنعت استفاده شده است. دراین میان، بابررسی اسناد ارتباط دانشگاه وصنعت در۶ دانشگاه ام آی تی، کمبریج، توکیو، امیرکبیر، شهیدبهشتی و صنعتی اصفهان به همراه مصاحبه های اکتشافی باصاحبنظران ومسئولان دفاتر ارتباط دانشگاه وصنعت سه دانشگاه درایران، اطلاعات ارزنده ای دراختیار محقق قرار گرفت.

فائض، شهابی(۱۳۸۶) درتحقیق ارزیابی واولویت بندی موانع ارتباط دانشگاه وصنعت به شناسایی موانع ارتباط صنعت و دانشگاه در مراکز آموزش عالی وصنایع مستقر در شهرستان سمنان بود. دراین راستا عوامل مختلفی شناسایی شده ودر۵ گروه اصلی ۱-قوانین ومقررات، ۲-فرهنگ، ۳-کارآموزی، ۴-رشته های دانشگاهی و ۵-پروژه های دانشگاهی طبق بندی شدند. و به این ترتیب اولویت بندی شدند ۱. موانع قانونی، ۲. موانع فرهنگی، ۳. تقاضا محور نبودن پروژه‌های دانشگاهی، ۴. عدم کارایی دوره کارآموزی، ۵. عدم تناسب رشته های دانشگاهی با نیاز صنایع

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

قدیریان، اصیلی(۱۳۸۴)در تحقیق رسالت دولت، دانشگاه و صنعت در توسعه ملی تاثیر عوامل تولید، توزیع و به کارگیری علوم وتکنولوژی در توسعه ملی بررسی و نحوه تعامل آنها با تاکید برنقش تعیین کننده مراکز تحقیق وتوسعه و فضای کسب وکار تحلیل میشود.

نریمانی وهمکاران (۱۳۹۴) در تحقیق مفاهمه، راهبردی بنیادی در توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه هدف اصلی از نگارش مقاله حاضر ارائه رویکردی جدید در ارتباط دانشگاه و صنعت با پیش فرض درک متقابل وخودگشودگی به بررسی چگونگی تأثیر آن بر ارتباط دانشگاه و صنعت پرداخته است. که ضمن مرور مطالعات انجام شده در این حوزه تلاش شده است تا الگوهای معمول در این حوزه را نیز مورد بررسی قرار دهد.

باقری نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان سیستم نوآوری ملی و جایگاه و نقش جدید دانشگاه ها در اقتصاد مبتنی برنوآوری، جایگاه و نقش دانشگاهها را در عصر اقتصاد مبتنی بر نوآوری در سطوح کلان و خرد تحلیل نمود. در سطح کلان کارکرد اثرگذارو اثرپذیر دانشگاهها در سیستم نوآوری ملی کشورها بیان شد و در سطح خرد، مأموریت جدید دانشگاهها در چارچوب تولید و تجاری سازی دارایی‌های فکری و مشارکت فزاینده در فرایند نوآوری و توسعه فعالیت های فناورانه بومی، ملی، منطقه ای و بین المللی با نگاهی بر زیرساخت های فناورانه لازم منعکس می گردد. در نهایت پیشنهادهایی جهت تسهیل روند توسعه نقش و کارکرد دانشگاه ها به منظوردستیابی به اهداف راهبردی وعملیاتی همسو با ارکان اقتصاد مبتنی بر نوآوری ارائه نمود.

شریف زاده (۱۳۹۰) در تحقیق خود نتیجه گرفت که محیط های دانشگاهی علمی باید با توجه به تغییرات آموزشی، علمی، پژوهشی، و فنی سریع و پی درپی، برای ادای رسالت خود و انطباق با تحولات فراگیر مذکور خود را بیش ازپیش تجهیز کنند تا از این رهگذر بتوانند تحقق برنامه های پیش بینی شده را تضمین کنند.

چگونگی اندازه گیری تأثیر آموزش عالی بر توسعهٔ اقتصادی

۱- ضابطه نرخ بازده:

در این روش هزینه های مستقیم دانشجویان، عایدات از دست رفته در طول دورهٔ آموزش دانشگاهی و سهم هزینهٔ دولت در فعالیت‌های دانشگاهی محاسبه می‌شود. سپس مجموع عایدات انتظاری آتی حاصل از تحصیل در دانشگاه محاسبه می‌شود. درآمدها و هزینه ها به ارزش فعلی تبدیل می شود. نسبت ارزش فعلی درآمدها به ارزش فعلی هزینه ها را نرخ بازده می گویند.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

۲- ضابطهٔ کمک آموزش عالی به رشد درآمد ناخالص ملی:

بر اساس این ضابطه، تأثیر سرمایه گذاری در آموزش عالی از طریق کمکی که به افزایش تولید، ناخالص ملی یا انباشت سرمایه فیزیکی در یک دورهٔ زمانی معیّن می کند مشخص می‌شود. مطالعات «شولتز» در آمریکا نشان داده است که سرمایه گذاری در آموزش ۳/۵ برابر سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی به درآمد ملی آمریکا کمک کرده است (قره باغیان، ۱۳۷۰، ص۶۶۵).

۳- ضابطهٔ عامل پسماند:

در این روش، نسبت افزایش تولید ناخالص ملی در هر دورهٔ زمانی معیّن را که نتیجه عوامل تولید قابل اندازه گیری یعنی نیروی کار و سرمایه است، محاسبه می‌کنند. باقیمانده نسبت افزایش تولید ناخالص ملی را که توسط متغیرهای سرمایه و نیروی کار توضیح داده نشده است، عامل پسماند آموزش عالی تحقیق علمی، تعلیمات حرفه ای، صرفه جویی‌های مقیاس و دیگر عوامل وابسته به بازدهی انسانی است (لشکری، ۱۳۷۶).

نتیجه‌گیری:

آموزش‌عالی، معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها به توسعهٔ اقتصادی کمک می‌کند .آموزش عالی، به طور قطع نه تنها موجب ترویج دانش می‌شود بلکه با پیشرفت‌های تحقیقاتی، تکنولوژیک و علمی، دانش جدید نیز به وجود می‌آورد؛ بدین ترتیب، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی سهمی مضاعف در اقتصاد دارند. هم اکنون سهم آموزش عالی در توسعهٔ اقتصادی، چه در اقتصادهای مبتنی بر فنّاوری پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای گسترده مشخص شده است.

از طرفی آموزش عالی می‌تواند هم از طریق مسیرهای اجتماعی و هم مسیرهای خصوصی منجر به رشد و توسعه اقتصادی شود. مزایای خصوصی آموزش عالی که افراد و خانواده‌ها از آن بهره مند می‌شوند شامل؛ احتمال بیشتر برای به دست آوردن موقعیت‌های استخدامی خوب توسط افراد تحصیل کرده، حقوق و دریافتی بالاتر، و توانایی گسترده تر افراد برای پس انداز و سرمایه گذاری هستند. این مزایا ممکن است نتیجه تندرستی بهتر و کیفیت بهبود یافته زندگی باشند، بنابراین با توجه به مسیر مارپیچ گونه پیامدهای خصوصی آموزش عالی که منجر به بهبود و ارتقاء در امید به زندگی افراد میشود، آنها را قادر میسازد تا در مدت زمان بیشتری وهمراه با بهره وری بالاتر به طور مادام العمر میزان دریافتی های خود را ارتقاء بخشند.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ حاج‌حسینی، حجت‌الله، ۱۳۸۲، مبانی نظری نظام توسعه فنّاوری کشور، مجموعهٔ مقالات چهل و هفتمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری، انتشارات سازمان سنجش و آموزش کشور.

ـ منصوری، رضا، دانشگاه و تعریف آن؛ فصلنامه رهیافت، شماره ۳۲.

ـ خورشیدی، غلامحسین، ۱۳۸۳، درآمدی بر اقتصاد آموزش‌عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

ـ شیخعلی‌زاده، سیاوش، ۱۳۸۳، آموزش عالی/ دانشگاه و توسعهٔ ملی، مجموعهٔ مقالات همایش آموزش عالی و توسعهٔ پایدار، وزارت علوم - تحقیق و فنّاوری، مؤسسهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

ـ آقاجانی، حسنعلی وصمدی میارکلائی، حمزه (۱۳۸۹). انتظارات متقابل دانشگاه و صنعت. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت نوآوری و کارآفرین، شیراز، ایران.

ـ الماسی، مجتبی ؛ سهیلی، کیومرث و سپهبان قره بابا، اصغر. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر به کار گیری دانش آموختگان آموزش عالی بر رشد اقتصادی .فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال نهم، شماره چهارم، ۲۳- ۴۰

ـ انتظاریان، ناهید و طهماسبی، طاهره(۱۳۹۰). بررسی میزان هماهنگی و انطباق نظام آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه ای با نیازهای بازارکار، ماهنامه کار و جامعه، ۱۴۰، از صفحه۷۱-۵۹.

ـ باقری نژاد جعفر(۱۳۹۳). سیستم نوآوری ملی و جایگاه و نقش جدید دانشگاه ها در اقتصاد مبتنی بر نوآوری .نشریه صنعت و دانشگاه، ۱۶-۵.

ـ برقندان، ابوالقاسم؛ برقندان، کامران؛ ستوده نیاکرانی، سلمان؛ پازند، مجید (۱۳۸۹). اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران .مدل سازی اقتصادی، ۴(۱۲)، صفحه ۳۹-۵۶.

ـ بشارت، احسان؛ ارسلان بد، محمدرضا(۱۳۹۳). اثرپذیری رشد اقتصادی ایران از شاخص های اقتصاد مقاومتی: دیدگاه راهبردهای توسعه کشورهای ژاپن و کره جنوبی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، صفحه ۷۷-۹۸.

ـ پرند، کورش؛ پوراندخت، نیرومند؛ فرجی ارمکی، اکبر؛ علیزاده، ابوالفضل؛ احدیه، نرگس(۱۳۹۱). رائه چارچوب پیشنهادی جهت مهارت آموزی و توانمندسازی دانشجویان با رویکرد شایستگی محوری . اولین کنفرانس بین المللی توسعه صادرات و فناوری اطلاعات، تهران، صفحه ۱-۱۲

ـ غلامی(۱۳۹۱). دانشگاه ها چگونه در اقتصاد مقاومتی ایفای نقش می کنند، روزنامه ایران، شماره ۵۲۰۲ .

ـ شیخعلی زاده، سیاوش (۱۳۸۳). آموزش عالی / دانشگاه و توسعهٔ ملی .مجموعهٔ مقالات همایش آموزش عالی و توسعهٔ پایدار، وزارت علوم - تحقیق و فنّاوری، مؤسسهٔ پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

ـ خورشیدی، غلامحسین (۱۳۸۳). درآمدی بر اقتصاد آموزش عالی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

ـ فیوضات، یحیی(۱۳۸۲). نقش دانشگاه در توسعه ملی. تهران، نشر ارسباران.

ـ قره باقیان، مرتضی (۱۳۷۰). اقتصاد رشد و توسعه، چاپ اول، تهران، نشر نی.

ـ لشکری، محمد (۱۳۷۶). نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی. شماره ۱۴۳.

ـ مختاری پور، مرضیه (۱۳۸۲). مبانی و اصول آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات جنگل.

ـ شفیعی، مسعود؛ یزدانیان، وحید، (۱۳۸۷)، توسعه مفهومی ارتباط بین صنعت و دانشگاه: از رهیافت عملگراتارهیافتهای نهادگرا، مجله صنعت ودانشگاه، سال اول، شماره ۱، ص۷-۲.

ـ جعفرنژاد، احمد؛ مهدوی، عبدالمحمد؛ خالقی سروش، فریبا، (۱۳۸۴)، بررسی موانع وارائه راه کارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران، مجله دانش مدیریت، شماره ۷۱، ص ۶۲-۴۱.

ـ آراسته، حمیدرضا، (۱۳۸۳)، ارتباط صنعت ودانشگاه، فصلنامه پژوهش وبرنامه ریزی درآموزش عالی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۶۴-۵۹.

ـ محسنی، رضاعلی، (۱۳۹۰)، همکاری‌های دانشگاه وصنعت، مجله علوم سیاسی: اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۵، ص ۳۱۷-۳۰۴.

ـ یمنی سرخابی، محمد وهمکاران، (۱۳۹۰)، وضعیت ارتباط دانشکده‌های فنی مهندسی دانشگاههای دولتی تهران باصنعت درچارچوب نظام ملی نوآوری، مجله پژوهش وبرنامه ریزی درآموزش عالی، شماره ۵۹، ص ۴۶-۲۷.

- یعقوبی فرانی، احمد، حاتمی کیا، نازنین، (۱۳۹۴)، موانع همکاری دانشگاه وصنعت از دیدگاه استادان دانشگاه های بوعلی سینا وصنعتی همدان، فصلنامه آموزش عالی، سال هشتم، شماره ۳۲، ص ۳۱-۵۱.

- مهدوی، محمدتقی، (۱۳۷۴)، نقش دانشگاه درتوسعه صنعتی، مجله رهیافت، سال سوم، شماره دهم، ص ۱۹-۱۲.

- باقری نژاد، جعفر، (۱۳۸۷). سیاست علم وفناوری سیستم ارتباط دانشگاه وصنعت برای توسعه فناوری در ایران، سازوکارها و پیشنهادها، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم وفناوری، سال اول، شماره ۱، ص ۱۵-۵.

- سیدنورانی، سیدمحمدرشا؛ امیری، محمدرضا؛ درگی، غلام رضا(۱۳۸۱)، بررسی راهکارها تقویت و تحکیم ارتباط صنعت ودانشگاه، مجموعه مقالات ششمین کنگره سراسری سه جانبه دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی، ص ۵۶.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

- Dumciuviene، D. (2015). The Impact Of Education Policy To Country Economic Development،، Procedia -Social and Behavioral Sciences191: ، 2427 –2436
- Idris،F. & Hassana، Z. & Ya'acoba ، A. & Gillb، S & Mohd Awal، N. (2012). The Role of education in shaping youth's national identity. Procedia - Social and Behavioral Sciences، 59: 443 –450
- Kaytaz، Mehmet، Misra C. Gul، (2014). Consumer response to economic crisis and lessons for marketers:The Turkish experience، Journal of Business Research، 67: 2701–2706
- Mariana، Dragoescu Raluca. (2015). Education as A Determinant of the Economic Growth. The Case of Romania، Procedi a - Social and Behavioral Sciences، 197:404 –412
- Olga S. & Belinsky، V (2008). Facilitating innovations in higher education in transition economies، ternational ournal of Educational Management، 22(4):341 – 351.

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jnraims.ir on 2026-11-19]